

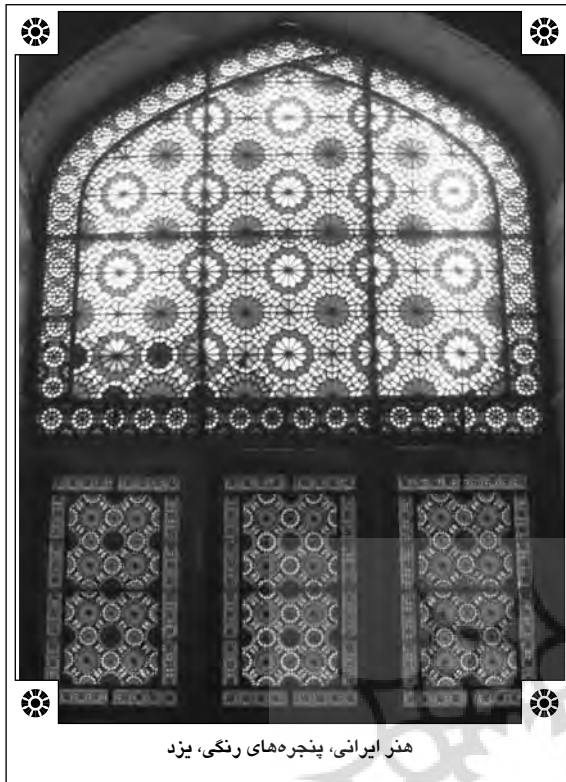
تاریخ فرهنگ

درآمد مترجم

تاکنون بیشتر توجه مورخان ایرانی و مسلمان به تاریخ‌نگاری رسمی و حکومتی معطوف بوده است. این رویکرد باعث شده، بسیاری از حوادث مربوط به طبقات عادی جامعه و نقش تاریخ‌ساز آنان به‌بوته‌ی فراموشی سپرده شود. تاریخ اجتماعی، و برتر از آن تاریخ فرهنگی، یکی از زمینه‌های جذاب و تازه‌ی حوزه‌ی مطالعات تاریخی است که در پی بازشناسی تاریخ مردم، شناسایی طبقات اجتماعی، بررسی روابط طبقات گوناگون با یکدیگر و حکومت بوده، می‌کوشد شرایط فرهنگی مؤثر در رخداد حوادث را نمایان سازد. از این رو نگارنده در پی آن است که با ترجمه‌ی گاه و بی‌گاه برخی آثار مهم در این حیطه، به‌ویژه تاریخ فرهنگی، ابزارها و رویکردهایی را در اختیار مورخان و دانشجویان خوش‌ذوق ایرانی قرار دهد تا به استخراج هدفمندتر منابع و ذخایر ایرانی و اسلامی بپردازند.

- نوشته: جان. آر. هال^۲
- ترجمه: عباس احمدوند^۳

بی‌گمان مشهورترین کتاب تاریخ فرهنگی، پژوهش «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری»^۴، جامعه‌شناس آلمانی، ماکس وبر^۵ است (۱۹۰۵). این کتاب همچنان مناقشه‌آلود، نمونه بارز و به‌ویژه امروزمین مسائلی درباب چگونگی رخداد تاریخ فرهنگی، آن هم در زمانه‌ای است که رشد تاریخ اجتماعی، مطالعات فرهنگی و اندیشه‌پسامدرن^۶ به طرح مسائلی درباب چگونگی رخداد تاریخ فرهنگی می‌پردازد. وبر اساساً استدلال می‌کند شکل خاصی از ریاضت‌کشی فردی ریشه‌دار در پروتستان‌تیزم آغاز مدرنیته، به نجات‌بخشی نیز توجه دارد. این ریاضت‌کشی که وبر آن را زهد درونی - دنیایی^۷ می‌نامید، نحوه‌ی سامان‌دهی رفتار پروتستان‌های اولیه را در کسب و کار خویش تحت تأثیر قرار می‌داد و بدین ترتیب روح کاپیتالیستی موجد نظم عقلانی، سرمایه‌دارانه و صنعتی را تقویت می‌کرد. پژوهش وبر به طور خاص نمونه مناسبی از تاریخ فرهنگی است؛ زیرا او ۱- سرچشمه‌هایی خاص از اندیشه‌های فرهنگی درباب رابطه ریاضت را با امور مربوط به نجات انسان ردیابی نمود. ۲- تعامل طولانی میان این اندیشه‌ها را با نخبگان و نیز مردمان کوچه و بازار (یعنی کشیشان پروتستان و پیروان پروتستانیزم) ترسیم کرد و آن اندیشه‌ها را به زبان اصطلاحات اجتماعی درآورد. ۳- به ترسیم نتایج تاریخی فرهنگ رایج جامعه پرداخت. اکنون شماری از رویکردهای مهم درباب تاریخ فرهنگی به وجود آمده، اما در دو دهه اخیر، ظهور اندیشه پساساختارگرایی^۸ و پسامدرن و قوام مطالعات



هنر ایرانی، پنجره‌های رنگی، یزد

فرهنگی بین‌رشته‌ای، رویکردهای بیشتری را پیرامون رفتارهایی که به‌طور قابل ملاحظه‌ای مشابه رفتارهای پژوهش و برهستند، به وجود آورده است. در بنیادی‌ترین حالت، تاریخ فرهنگی مطالعه تاریخی فرهنگ است، اما فرهنگ را چگونه باید تعریف کرد؟ فرهنگ شامل چه چیزهایی است؟ بی‌گمان اقدام به تعریف سنجیده فرهنگ باید با توجه به سه مسأله باشد: ۱- اندیشه‌ها، دانش عقاید غیرقابل اثبات (درست یا نادرست) و دستورات اجرای آن عقاید ۲- ابزارهای برساخته انسانی (از بیل گرفته تا ماشین‌های خیاطی و کامپیوتر). ۳- محصولات مؤثر در رفتارهای زندگی اجتماعی (اقامت، لباس پوشیدن، وسایط نقلیه). با استفاده از تعریف موجه چنین مسائلی، مورخان فرهنگی می‌توانند بسته‌های جداگانه یا موضوعات فرهنگی را مورد شناسایی قرار داده، تاریخ فرهنگی هر یک را در قالب و محتوایی کم و بیش مشابه بررسی کنند. (برای نمونه در یک نمایش، یک قطعه موسیقی، مهارت طبخ غذا، نوع هنری، مجموعه‌ای از آداب معاشرت). البته گاهی چنین موضوعات فرهنگی دوام می‌یابد و گاه به‌تدریج یا ناگهانی به معانی، اشکال و رفتارهایی تازه و نظایر آن تغییر پیدا می‌کند. در این صورت، تاریخ فرهنگی دربردارنده مجموعه‌ای وسیع از موضوعات اعم از تواریخ هنر، موسیقی، فرهنگ عامه، رقص، تواریخ فناوری و تولید، تاریخ مد، طراحی و مانند آن خواهد بود. حتی تأکید بر دانش، اندیشه‌ها و رفتارها راه را به تاریخ عقلانی^۱، تاریخ اندیشه‌ها^۲، تاریخ عقاید، دین، جنسیت، احوال شخصیه و آزادی و برخی مطالب محتمل دیگر می‌گشاید. نکته دیگر آن که چون تمامی زندگی اجتماعی فرهنگی است، آیا به‌راستی فرهنگ می‌تواند (و باید) جنبه‌ای از تجزیه و تحلیل هر روایت تاریخی باشد؟

گونه مهمی از تاریخ اجتماعی که تأثیری فراوان در تاریخ اجتماعی دارد، با فرهنگ سیاسی، عقاید و آمال مردم درباب حکومت و فرآیند امور سیاسی گره می‌خورد. البته این مباحث حتی می‌توانست پیش از ظهور پارلمان‌ها و رواج حق رأی هم تغییر کند و هم به‌طور مؤثری تغییر ایجاد کند. عقاید و آمال سیاسی می‌تواند رفتارهای فراوانی را از روابط خانوادگی تا اعتراض اجتماعی و نیز (در جوامع مدرن) الگوهای انتخابات را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین مورخان اجتماعی به روابط میان فرهنگ سیاسی و دیگر جنبه‌های عقاید عام، چون خطر کردن در عین جبرگرایی و عقیده به سلسله مراتب حکومت، علاقمندند. موضوعات تاریخ فرهنگی بسیار متنوع است، چندان که مطالعه تاریخ فرهنگی را باید بیشتر با ارایه رویکرد^{۱۱} تعریف کرد تا محتوایی منسجم؛ البته مسأله «رویکرد» هم بحث‌برانگیز است، از این رو باید به سه موضوع توجه کرد: ۱- چالش برسر تاریخ جهانی ۲- چالش نخبگان با فرهنگ عمومی ۳- رابطه فرهنگ با دیگر ابعاد تحلیل‌پذیر چون مدل‌های اقتصادی و اجتماعی.

در مورد اول ملاحظه می‌کنیم تواریخ جهانی (یا گاهی تواریخ فلسفی) دربردارنده رویکردهایی دال برانجام، جهت و معنا درمجموع تاریخ است، که می‌توان به‌وسیله روش‌شناسی درست تاریخی یا اندیشه‌های مناسب اجتماعی درباب محرک‌های تغییر، آنها را فرانچنگ آورد. بنا بر این رویکرد، محققان می‌کوشند در بحبوحه حوادث فراوان تاریخی، روایت بزرگ‌تر حادثه را آشکار سازند. رویکردی دیگر به فرهنگ، تاریخ جهانی را انعکاس اندیشه ساختارگرایانه و کارکردگرایانه اجتماعی می‌داند؛ چنان‌که فرهنگ را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم

از معیارها و ارزش‌های هدایت‌گر رفتارهای گوناگون جامعه می‌پندارند. از جمله آثار دارای چنین اندیشه‌های کلی‌انگارانه^{۱۲} درباب تاریخ و فرهنگ می‌توان به نمونه‌هایی رایج چون «ویژگی رنسانس^{۱۳}» (یا کوب بورکهارت)^{۱۴} یا فرد گرای، ایدئولوژی ایالات متحده و آثار آن اثر رابرت بلاه^{۱۵} و همکاران اشاره کرد. با این حال از آنجا که امروز شک‌گرایی پسامدرن به طرح دعاوی درباب انسجام فرهنگی و اجتماعی پرداخته، تواریخ فرهنگی بیشتر به فرهنگ‌های جداگانه و متضاد توجه می‌کنند.

دومین موضوع به اهمیت تقابل فرهنگ نخبگان یا فرهنگ طبقه بالای جامعه با فرهنگ عامه مربوط می‌شود. به‌طور کلی تصور می‌رود که فرهنگ نخبگان به‌طور معمول مبتنی است بر فرهنگ والا و زیباشناسانه درپی شناخت آثار برجسته هنرمندان، موسیقی‌دانان، ادبا و امثال آنان. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز به‌طور روزافزون فرهنگ را مسأله‌ای متمایز و خاص می‌دانند، با این همه در جستجوی مسأله تفوق فرهنگ طبقه بالای جامعه در فرآیندهای اساسی اجتماعی نیز هستند. علاوه بر این، آنان معتقدند در فرآیندهای خاص، فرهنگ طبقه بالا و فرهنگ عوام، محرک‌های موازی و متنوعی نیز وجود دارد. دست آخر این که مورخان فرهنگی چون پیتر برک^{۱۶} (فرهنگ عامه در اروپای آغاز مدرنیته)^{۱۷} نشان داده‌اند تفاوت مفروض میان فرهنگ طبقه بالا و فرهنگ عوام حرکت‌های جذاب و مهم فرهنگ و در عین حال ورای مرزهای اجتماعی و جغرافیایی خاص را مبهم می‌سازد. در این صورت، دیگر کار بدین ترتیب نیست که تفاوت آزادانه‌ای در میان این دو فرهنگ به وجود آید؛ بلکه درعوض وظیفه تاریخ فرهنگی آن است که مواد

تاریخ فرهنگی مطالعه تاریخی فرهنگ است و تعریف سنجیده فرهنگ باید با توجه به سه مسأله باشد: ۱- اندیشه‌ها، دانش عقاید غیر قابل اثبات (درست یا نادرست) و دستورات اجرای آن عقاید ۲- ابزارهای برساخته انسانی ۳- محصولات مؤثر در رفتارهای زندگی اجتماعی

تاریخ فرهنگ

References:

Chartier, Roger, cultural History Between Practices Representations, Cambridge, Eng. polity press, ۱۹۸۸.

پی‌نوشت:

۱- این مقاله ترجمه مدخل "Cultural History" دایره‌المعارف تاریخ اجتماعی،

ویراسته. Peter N. Stearns, ۱۹۹۴, Garland.

2-John R.Hall.

۳-استادیار دانشگاه زنجان.

4.The Protestant Ethic and the Spirt of Capitalism.

5.Max Weber.

6-Post Modern.

7-Inner-worldly asceticism.

8-Post Structuralist.

9-Intellectual History.

10-History of Ideas.

11-Approach.

12-Holistic.

13- Chanacter of Renaissance.

14- Jacob Burchardt.

15.-Robert Bellah

16-Peter Burke.

17-Popular Culture in Early modern Europe.

۱۸- بر اساس سخن نویسنده، همین مسأله سر زمین موعود در معرض تفسیر تمامی

انسان‌ها قرار دارد و تفسیر گروه‌های تندرو و نژادپرست، به هیچ‌رو تفسیر پایانی آن نیست (

مترجم).

19.Objective.

۲۰- همچنین نک: «نگرش‌ها»، «بازآفرینی و شکل‌گیری طبقه» در همین دایره‌المعارف؛

نیز در باب تاریخ فرهنگی و تاریخ نوین فرهنگی نک: نعمت‌الله فاضلی، «فراز و فرودهای تاریخ

فرهنگی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۱۰، تیر ۱۳۸۶، صص ۲۶-۳۵؛ و آنتونیو کارولای

سانچز، «تاریخ نوین فرهنگی و شما»، ترجمه نگارنده، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۳،

فروردین ۱۳۸۹، صص ۲۷-۲۴ (مترجم).

زیباشناسانه و متنوع فرهنگ و سرچشمه‌های آغازین آن را بشناسد.

سومین موضوع آن که محققان به طور فزاینده ارتباط پدیده‌های فرهنگی

را با گروه‌های جدا از هم و نیز بازیگران اجتماعی مشخص سازند. دیگر

فرهنگ نمی‌تواند از شرایط اجتماعی و اقتصادی حاصل شدنش، جمعی

شدن، دریافت شدن و نقش‌آفرینی‌اش در رفتارهای روزمره افراد دور بماند.

درباره چنین ارتباطاتی تحلیل‌هایی سودمند و متنوع وجود دارد. برای مثال

محققان نشان داده‌اند چگونه موضوعات فرهنگی خاص (از نمایشنامه‌های

شکسپیر تا موضوعاتی چون تصور سرزمینی موعود^{۱۸}) آگاهانه یا ناآگاهانه و

در شرایط متفاوت تاریخی از سوی گروه‌های اجتماعی مورد تفسیر مجدد قرار

می‌گیرد. همان‌گونه که وبر با مقایسه گسترده ادیان جهانی پیشنهاد کرده است،

فرهنگ‌ها به‌وجود آورنده قالب‌هایی هستند که زندگی اجتماعی از طریق آن‌ها

سامان یافته، معنادار می‌گردد. حتی حوادث تاریخی جهان چون جنگ سرد

تحت تأثیر ساخت فرهنگی خاص خویش است. تاریخ فرهنگی با نشان دادن

این‌که گذشته محصول رفتارهای فرهنگی است، که به شکلی تاریخی در

جای خویش قرار گرفته‌اند، به‌طور بالقوه کل تاریخ را انقلابی می‌سازد.

ارتباط میان تاریخ اجتماعی و فرهنگی هم سودمند و هم پرمعنا است.

در دهه ۱۹۶۰ بسیاری از مورخان اجتماعی اولیه تمایل داشتند فرهنگ را

کم‌اهمیت جلوه داده، عوامل عینی‌تری^{۱۹} را در مباحث طبقه، تحرک و اعتراض

اجتماعی نشان دهند. بی‌گمان علایق فرهنگی مورخان از دهه ۱۹۷۰ جوشید؛

مورخان اجتماعی این دوران، به‌رغم بحث در میزان بروز یا انعکاس فرهنگ در

دیگر تحولات اجتماعی، ویژگی اساسی آثار خویش را ترسیم ماهیت عقاید و

نگرش‌های عمومی قرار دادند.

از اواخر دهه ۱۹۸۰ و در اثر پسامدرنیسم (پست‌مدرنیسم) و ظهور

مورخان نوین فرهنگی، این علایق فرهنگی پیچیده‌تر گردید. برخی از

مورخان نوین فرهنگی به رمزگشایی از گزاره‌های منفرد فرهنگی پرداختند

و شیوه تاریخ اجتماعی را در جست‌وجوی تنوع گسترده تعابیر فرهنگی کنار

نهادند. حتی به‌سادگی و به‌طور نامناسبی چنین وانمود شد که مباحث عقلانی

نمود اجتماعی گسترده‌ای دارد. این مسأله باعث تجدید تنش مداوم در

میان تاریخ اجتماعی و فرهنگی گردید. با این همه به نظر می‌رسد بسیاری

از مورخان نوین فرهنگی (گرچه اغلب به ارتباط تاریخ اجتماعی و فرهنگی

اعتراف نمی‌کنند)، همچنان به ردیابی و تفسیر «تغییر فرهنگی»، به‌مثابه

بخشی از فهم اجتماع علاقمندند.^{۲۰}